



05-07-2020



داکتر محمد حسن شرق

طرح‌های دیگو کوردوویز و بینان سیوان

(نمایندگان سرمنشی سازمان ملل متحد)
برای ختم جنگ در افغانستان
(1361 تا 1372 ه ش)

هموطنان عزیز!

نوشته زیر را که از قلم محترم داکتر حسن شرق تراوش یافته است، در هشت الی ده بخش نشر و به دسترس شما قرار خواهم داد. ایشان نسبت داشتن در کمپیوتر از من خواستار نشر این موضوع گردیدند که به نظر ایشان در شرایط فعلی افغانستان دانستن آن ضروری پنداشته میشود. اینجانب صالحه واهب اصل فقط بخش نشر آنرا مسؤلیت گرفته ام، مسؤلیت محتوای متن و موضوع مورد بحث به دوش خود شان میباشد.

با حرمت صالحه واهب واصل

من از روس و فرنگ هرگز ننالم
که با من هرچه کرد فرزند من کرد
(مادر وطن)

قسمت سیزدهم و آخرین:

در آن روز و روزگاری که دولت مترقی و زوال ناپذیر افغانستان آخرین نفس‌هایش را می کشید باز سر و کله بینان سیوان در کابل پیدا شد که راساً به خدمت رئیس جمهور رسید. اما آنچه از این آخرین سفر رسمی و ملاقات چند ساعته وی به بیرون درز کرد همان وعده‌های تکراری وی بود که به اروپا سفر می کند و همان پانزده نفر کاغذ پیچ خود را، که تا آخر نه کسی نام شان را می دانست و نه هم کسی چهره شان دیده بود، با خود می آورد.

ولی گذشت زمان نشان داد که گفتگوهای بینان سیوان در این ملاقات روی سفر محرمانه رئیس جمهور چرخیده بود و نه به دور کلاوه سر در گم مصالحه ملی، و نه هم به دور آنچه در دیدار اخیرش به من گفته بود.

نافرجامی سفر محرمانه رئیس جمهور کلاوه سر در گم و پیچیده‌ای برای مردم شد که تا امروز نه کسی به مقصد سفر پی برده است و نه هم از اراده به آن. بناء سوالي خلق می شود که آیا رهبران حزب وطن به چنین سفری موافق بودند یا مخالف؟

سند و مدرکی که آن را تأیید یا تردید کند در دست نیست. زیرا رفقا زنده باشند کلاوه را چنان در هم و برهم بیچانده اند که یافتن سرنخ عمر نوح و صبر ایوب می خواهد.

اما بی تفاوتی و سهل انگاری آنان از حدوث چنین حادثه‌ای به آن اشاره دارد که تگره‌ای زیر نیم کاسه بود. چنانچه پوره شش ساعت بعد از وقوع حادثه، سردمداران حزب وطن به جای اینکه خدمت رئیس جمهور می رفتند و از ایشان تقاضای بازگشت به ریاست جمهوری می کردند یا دست کم اصل قضیه را از وی جویا می شدند، به دور و بر بینان سیوان حلقه زدند و از او خواستند 15 شخصیت مورد نظر شان را به کابل بیاورند تا جهت پیاده کردن مصالحه ملی زعامت حکومت افغانستان را به دست بگیرند. ماشاءالله آنهم زمانی که به استثنای چند گوشه و کنار شهر کابل، مردم در سراسر افغانستان به مجاهدین یا بیعت کرده بودند و یا در حال بیعت کردن بودند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

بینان سیوان آنچه می توانست انجام داد تا مردم افغانستان را به جرم مسلمان بودن مجازات کند، و در پایان کار هم به گفته خودش وظیفه اش را طبق خواست سازمان ملل متحد، با برداشتن موانع و مساعد ساختن زمینه گفتگوی بین الافغانی جهت مصالحه ملی و ختم جنگ با به دست آوردن استعفای رئیس جمهور انجام داد.

به همین دلیل بود که بینان سیوان به جای بحث روی خواست رهبران حزب وطن گفته بود: اکنون با استعفای رئیس جمهور، دیگر مشکلی در مذاکرات مستقیم شما و رهبران مجاهدین وجود ندارد. بنهائاً بهترست جهت مذاکره و مفاهمه بالای مصالحه ملی اندیشید تا حواشی آن. اما آشتی ملی با مجاهدین که مدعی اند برای خروج عساکر شوروی از افغانستان نزدیک به دو میلیون کشته داده اند سهل و ساده نیست. مگر اینکه خواست آنان را با حوصله مندی شنید و برای قطع مخاصمات در صورتی که مسالمت آمیز باشد پذیرفت.

چند عضو رهبری، نه حزب وطن، که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به سستی ایمان مبتلا شده بودند بعد از اقدام ناکام داکتر نجیب الله و همه مرگ و ذوق فرار و از دست دادن روحیه مقاومت هم بر آن افزوده شده بود. بنابر آن بعد از شور و مذاکره روی پیشنهاد بینان سیوان خواسته یا ناخواسته می پذیرند که دولت تحت رهبری حزب وطن توانایی آن را ندارد تا در برابر مجاهدین مقاومت کند و بهتر است به طور مسالمت آمیز به مجاهدین تسلیم شوند، و تصمیم خویش را به اطلاع بینان سیوان می رسانند.

بینان سیوان با مزده تسلیمی مسالمت آمیز و استعفای داکتر نجیب الله روانه پاکستان می شود و در همان روز (31 حمل 1371) وارد پشاور شده فردای آن رهبران تنظیم ها را در جریان آنچه با خود آورده بود قرار می دهد.

دو سه روز بعد رهبران مجاهدین در حضور نواز شریف، صدراعظم پاکستان، به منظور تسلیم شدن قدرت جناب حضرت صبغت الله مجددی را برای دو ماه و جناب مولانا استاد برهان الدین ربانی را برای 4 ماه جهت تسلیم شدن قدرت از انقلابیون در کابل مقرر می کنند و جناب حضرت صاحب فردای آن روز عازم کابل شدند.

بعضی از پیشوایان حزب وطن به شمول عبدالوکیل، وزیر امور خارجه (که حزب و حکومت را بعد از داکتر نجیب الله رهبری می کرد) از انتخاب حضرت صبغت الله مجددی را به حیث ممثل دولت اسلامی افغانستان در پاکستان و از اراده آمدن شان به کابل جهت تسلیم شدن قدرت از حزب وطن به گرمی استقبال کردند و آن را به فال نیک گرفتند. زیرا جناب شان برعکس دیگر رهبران تنظیمی شخص پوزش پذیر بود و امید برده می شد تا از سر تقصیر آنانی بگذرد که تا دیروز آنان را تکفیر می کرد و واجب القتل می شمرد.

احتمالاً همین امیدواری بود که قبل از رسیدن به کابل به جناب شان اطلاع دادند که همه با هم مصمم شده اند تا زعامت افغانستان را به صورت مسالمت آمیز خدمت شان تقدیم کنند.

از شنیدن چنین خبری که نه به مجددی قابل باور بود و نه هم به دیگران، دولت مداران انقلابی که اردوی سیصد هزار نفری را زیر فرمان داشتند حاضر شدند تا بدون مشوره با اعضای ح د خ تسلیم دشمن شوند، آنهم به پیر مرد سال خورده ای که موکب وی را 40 یا حداکثر 50 نفر پیر و پوده غیر مسلح همراهی می کرد. می گویند حضرت صاحب از شنیدن این مزده باور نکردنی به خاک افتید و پروردگار خود را سجد کرد، و پس از آن برای بخشودن آنانی که تا دیروز وی را مرتجع، نوکر پاکستان و چاکر امپریالیزم می نامیدند به سفر خویش به سوی کابل ادامه داد.

حضرت صاحب در سی کیلومتری شهر کابل نزدیک به تنگ غارو بارگاه بر پا کرد و فرمان داد آنانی که آماده تسلیمی مسالمت آمیز بودند حضور شان باریاب شوند. فردای آن روز گروهی از کارمندان دولتی و حزبی که روزگاری سر شان به تن شان می زبید جهت تسلیم شدن به اصطلاح خود شان تسلیمی قدرت صبح وقت در وزارت خارجه جمع شدند.

در کاروان بیش از صد عراده موتر، سران حکومتی و بعضی از رهبران حزبی ساعت هفت صبح همان روز به دنبال وزیر خارجه به سوی بارگاه فاتح معرکه، بدون سلاح ثقیله یا خفیفه و حتی چاقو و ناخن گیر، روانه تنگ غارو شدند.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

به هر صورت کاروان با همه طول و عرضش از نزدیک دروازه اداره مهاجرین ملل متحد که در آن داکتر نجیب‌الله رئیس جمهور افغانستان و رهبر همین جمعیت در هفته پیش مقیم شده بود گذشتند. ولی نه موتری مقابل دروازه آن اداره توقف کرد و نه هم رفیقی به سوی داکتر نجیب‌الله شتافت.

ترسم نه بلکه باور دارم رفقای که امروز سنگ داکتر نجیب‌الله را به سینه می زنند فردا که داکتر اشرف غنی رئیس جمهور نباشد باز هم همان آش است و همان کاسه.

بهتر است گله و گله‌مندی‌ها را بگذاریم سر جایش و برگردیم به پی‌گیری تسلیمی مسالمت‌آمیز.

با رسیدن کاروان تسلیمی‌ها به تنگ غار و آوازه شد که جناب حضرت صاحب از زیادی تعداد آنان کمی وارخطا شده بود و می خواست استخاره کند که کسی به گوش شان گفت به شما اطمینان می دهم همه این آقایان برای تسلیمی آمده اند نه شرارت. بنابر آن حضرت صاحب آغوشش را گشود و دیگران هم به پیروی از ایشان آغوش باز کردند و همدیگر را چنان در بغل گرفتند که گویی نه ملحدی در میان بود و نه هم تریاکی دینداری. نه از جهاد کلمه‌ای گفته شد و نه هم از دست‌آوردهای انقلاب ثور. نه بحثی از ویرانی کشور بود و نه هم کسی به یاد میلیون‌ها کشته و زخمی و فراری گریه کرد.

جناب حضرت صاحب بدون اشاره به بدبختی‌های مردم و خرابی کشورش ضمن خیر مقدم گفتن به رفقا فرمود: "از آمادگی دولت جمهوری افغانستان برای انتقال قدرت به ممثل دولت اسلامی سپاسگذارم. زیرا دشمنان افغانستان بودند که در میان ما افغان‌ها خصومت و دشمنی را (زیر نام جهاد و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب ثور - نویسنده) دامن زدند. در غیر آن الحمدالله همه مسلمان و افغان و از یک وطن هستیم."

پس از اندر زهای جناب شان در ظرف کمتر از یک دقیقه برادرها رفیق شدند و رفیق‌ها هم شدند برادر. سپس همه با هم شادی کنان روانه کابل شدند تا انقلابیون حکومت دموکراتیک زوال ناپذیر را به واپس‌گرایان مذهبی به این امید تسلیم کنند که ممثل دولت اسلامی آنان را عفو کنند و اجازه دهند تا در اروپا و دیگر کشورها به خانواده‌های شان، که قبلاً به آنجاها فرستاده بودند، بپیوندند و چنان هم کردند.

فردای روز رسیدن به کابل، ممثل دولت اسلامی در دعوت مجلی که از جانب عبدالوکیل، وزیر خارجه، جهت تسلیمی زعامت افغانستان ترتیب داده شده بود اشتراک کردند.

چند نفر از تسلیمی‌های دولتی یکی پی دیگری تعویض نظام دموکراتیک را به دولت اسلامی حضور شان تبریک گفتند و حاضرین هم کف زدند.

شبه‌ای از بیانیه حضرت صاحب که پس از شکرگذاری به پیشگاه خداوند بزرگ از رسیدن به زعامت دولت اسلامی و اظهار امتنان از آنانی که بدون درد سر تسلیم شدند و زعامت کشور را به جناب شان واگذاشتند، فرمود:

"اکنون بر ماست که در دولت اسلامی همه کدورت‌ها را فراموش کرده و برادروار دست به دست هم داده و برای آبادی افغانستان متحداً کار کنیم"

جناب شان افزودند: "من از جانب خود و تمام رهبران تنظیم‌ها عفو عمومی را اعلان می‌کنم."

درین میان روزنامه نگاری از وی پرسید این عفو شامل داکتر نجیب‌الله نیز می‌شود؟ فرمودند عفو، عفو عمومی است، شامل تمام اشخاص به شمول داکتر نجیب‌الله می‌باشد.

بیانیه حضرت صاحب در هر مقطع با کف زدن‌ها و الله‌اکبر گفتن حاضرین تالار بدرقه می‌شد.

جان مطلب در این جاست که نه جناب حضرت صاحب فرمودند و نه هم از حاضرین کسی پرسید که گناه کاران کیانند و چه نامی دارند، و چه جنایات و خیانت‌هایی مرتکب شده بودند که از بالا تا پایین همه با هم عفو شدند و عجیب‌تر از همه اینکه بعضی ناهمیده به عفو کف می‌زدند و دسته‌ای هم از خوشحالی خیزک. من از شنیدن این خبر، در جستجوی

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

هویت عفو کننده و عفو شونده‌ها بودم که از عجایب روزگار عجیبه به یادم آمد که روزی از روزها صبغت‌الله مجددی به خاطر جرمی که مرتکب شده بود از رهبر افغانستان عفو می خواست. باور کنید یا نه، آنهم توسط من (نویسنده)، ولی امروز او رهبران افغانستان را مورد عفو و بخشایش قرار می داد؟؟؟؟ بین تفاوت رهبری از کجا تا به کجا.

بهتر است قصه‌های صوفیانه را بگذاریم به پیر و پیرخانه و برویم سراغ بینان سیوان، قهرمان معركة مصالحة ملی. بینان سیوان یکی دو روز بعد از تخت نشینی مجددی صاحب از پشاور به کابل بازگشت. اما پس از بازگشت نه با رهبران حزب وطن دیدار کرد و نه هم سراغ شان را گرفت. زیرا تا جایی که لازم داشت در دوران ماموریتش در کابل با وعده‌های دروغین زیر نام حکومت واهی 15 نفری آنان را فریب داد و از ایشان استفاده کرد، و در پایان کار هم برای تأمین موفقیت خود در پیاده کردن مصالحة ملی سر شام مانع مذاکرات بین‌افغانی را در دفتر ملل متحد و ادار به استعفا کرد و فردای آن شب سند تسلیمی بدون قید و شرط، اما مسالمت‌آمیز رهبران حزب وطن را به دست آورد. بنابر آن در دو سه روز جنگ پایان یافت و آرامش در سراسر افغانستان برقرار شد. گویا در بدل چنین موفقیتی سندی به امضای مجددی، ممثل دولت اسلامی، ضرورت داشت که یک‌هفته راست از میدان هوایی به دیدار وی شتافت و از شناختی که از بینان سیوان دارم باورم این است که او آنچه می خواست از مجددی به دست آورده بود که عجله روانه پاکستان و از آنجا عازم نیویارک شد. طوری که بعدها شنیده شد، در آنجا، به خاطر موفقیتی که در افغانستان به دست آورده بود، با استقبال گرم سرمنشی سازمان ملل متحد و همکارانش رو به رو شده بود.

بدین سان کارنامه بینان سیوان، طوری که در صفحات پیش خواندید، به نفع خود وی و فروپاشی حزب وطن به پایان رسید. اما سوالی را هم به میان آورد که اگر ما طرح کوردوویز را به جای پیشنهادهای بینان سیوان دنبال می کردیم به خیر و سعادت ما و وطن ما بود یا دنباله روی از وعده‌های دروغین سیوان؟؟؟

جواب این سوال را می گذارم به قضاوت خواننده‌گان، جوابی که نمی توان با سر به سر کردن چند جمله پر آب و تاب به ذوق و سلیقه این و آن ارائه کرد.

پایان

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ